

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه اعلی، ۵ شوال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱) الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (۲) وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (۳) وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى (۴) فَجَعَلَهُ
 غُثَاءً أَحْوَى (۵) سَنَفَرُوكَ فَلَا تَنْسَى (۶) إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى (۷) وَنُيْسِرُكَ
 لِلْيُسْرَى (۸) فَذَكَرْ إِنَّ نَفْعَتِ الذُّكْرَى (۹) سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى (۱۰) وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَتْقَى (۱۱) الَّذِي يَصْلَى النَّارَ
 الْكُبْرَى (۱۲) ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى (۱۳) قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (۱۴) وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۱۵) بَلْ تُؤْثِرُونَ
 الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۱۶) وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۷) أَنْ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۸) صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (۱۹)

معرفی اجمالی

سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱)

به تسبیح اسم پروردگار اعلی امر می‌کند. تسبیح یعنی منزّه دانستن خدا از عیب و نقص. به طور طبیعی تسبیح باعث می‌شود که انسان به سمت خدا برود و به او نزدیک شود. یعنی انسان با تسبیح از عیب و نقص به سمت خدای بدون عیب و نقص حرکت می‌کند. برای همین تسبیح حقیقی با یک حرکت همراه است. موجوداتی هم که در عالم به سمت کمال می‌روند، آن‌ها هم خدا را تسبیح می‌کنند.

فهم قرآن

اسم خداوند یعنی چیزهایی که مظهر خداوند هستند. حقایقی که در عالم موثر هستند،

اسمای الهی هستند. آن اسم تسبیح شود و از عیب و نقص خداوند منزّه دانسته شود و به واسطه آن اسم حرکت در انسان به سمت یک علو و مقام عالی شکل بگیرد چون آن پروردگاری که به سمت کمال می‌برد (رب) و اسمش تسبیح می‌شود، اعلی هست.

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ﴿٢﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ﴿٣﴾

رب اعلی که اسمش تسبیح می‌شود را کسی معرفی می‌کند که خلق کرده پس تسویه کرده، تقدیر کرده پس هدایت کرده است.

همه موجودات را بعد از خلق، یک تسویه‌ای بینشان بوجود آورده و با اندازه دادن و تقدیری که کرده، موجودات را هدایت کرده تا به سمت تقدیرشان حرکت کنند.

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿٤﴾

و خدایی که برای رعایت حال انسان و دام‌های انسان، چراگاه‌هایی را خارج کرده، علفزارهایی را ایجاد کرده تا گوسفندها بتوانند در آن بچرند.

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ﴿٥﴾

بعدا این مرعی، علفزار پرتراوت و سرسبز را به یک وضعیت خشک شده، پوسیده و سیاه شده‌ای تبدیل می‌کند. این خشکی و از بین رفتن که یک جور موت هست، در واقع از بین رفتن نیست، بلکه این‌ها بذری برای ایجاد سرسبزی در بهار بعدی می‌شوند و این یک چرخه را ایجاد می‌کند.

رب اعلی کسی هست که این هماهنگی را در عالم بوجود آورده است. خلق، تسویه و تقدیر و هدایت و این چرخه‌ها را بوجود آورده است تا موجودات در عین مماتشان، یک بقایی داشته باشند. یک چرخه موت و بقا ایجاد کرده است و هر چه موجودات جلوتر می‌روند به سمت کمال و فایده‌های بیشتر پیش بروند.

سَنُقَرِّئُكَ فَلَا تَنْسَى ﴿٦﴾

رو به پیامبر(ص) می‌کند که ما تو را به قرائت در می‌آوریم یعنی شرایطی برایت فراهم می‌کنیم که قرائت کنی. این اقرایی که از حقایق قرآن و وحی بر تو خوانده می‌شود، را تو فراموش نمی‌کنی.

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ﴿٧﴾

این که فراموش نمی‌کنی شاء خدا هست، از خدا مستقل نمی‌شوی. خداست که به همه فراموش شده‌ها و فراموش نشده‌ها، آشکارها و نه‌آن‌ها آگاه هست. هرچیزی هم که فراموش شده از علم خدا بیرون نمی‌رود.

وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى ﴿٨﴾

به واسطه این قرائتی که بر پیامبر می‌شود و آن را فراموش نمی‌کند، پیامبر در یک مسیر یسری قرار می‌گیرد تا به صورت روان مسوولیت خود را انجام دهد و وحی را به دیگران ابلاغ کند.

فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى ﴿٩﴾

پس تذکر بده. در سوره غاشیه هم می‌فرماید: فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾ این که ما اقرا را برای تو کردیم و مسیر را برایت هموار کردیم پس تو هم ذکر کن البته اگر این ذکر فایده داشته باشد. در سوره غاشیه خداوند می‌فرمود: **إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾** کسانی که رویگردانی می‌کنند و کفر می‌ورزند، ذکر برای آن‌ها فایده ای ندارد.

آیات بعد در مورد اینکه چه کسی ذکر را می‌پذیرد و چه کسی ذکر را نمی‌پذیرد و هر کدام چه نتیجه‌ای دارد صحبت می‌کند.

سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى ﴿١٠﴾

کسی ذکر را می‌پذیرد که خشیت داشته باشد، پذیرش داشته باشد، عظمت را درک کند و در مقابل آن سرسپردگی داشته باشد.

کسی که از خدا می‌ترسد و نگرانی مثبت که حاصل از مراقبت است، دارد، او ذکر را خواهد پذیرفت.

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾

افراد اهل شقاوت و بدبختی از آن ذکر دور می‌شوند.

الَّذِي يَصَلِّي النَّارَ الْكُبْرَى ﴿١٢﴾

شقی‌ترین آدم‌ها کسی هست که به آتش بزرگ عرضه می‌شود. این قسمت شبیه سوره‌های دیگر است:

در سوره لیل می‌فرماید: **وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿١٧﴾** افراد به نسبت تقوایشان از آتش دور می‌شوند. **لَا يَصْلَاهَا إِلَّا**

الْأَشْقَى ﴿١٥﴾ به آتش سوره لیل فقط اشقی نزدیک می‌شوند.

در سوره غاشیه می‌فرماید: **تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾** چهره‌هایی که خاشعه هست به آتش سوزان عرضه می‌شوند.

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَا ﴿١٣﴾

بعدا باعث می‌شود که در این آتش نه بمیرند و نه زنده شوند یعنی چرخه موت و حیاتشان متوقف می‌شود. مانند مرعی و غثا احوی، این چرخه موت و حیات باعث رشد و تسبیح می‌شود. افرادی که ذکر را نمی‌پذیرند، وارد آتشی می‌شوند که چرخه رشدشان متوقف می‌شود.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴿١٤﴾

یک قانون کلی مطرح می‌شود: فلاح و رستگاری برای کسی هست که تزکیه می‌شود، اجازه می‌دهد که اضافات از درونش پاک شود.

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿١٥﴾

اسم پروردگارش را ذکر می‌کند و نماز می‌خواند یعنی با خدا اتصال برقرار کند.

یک ذکر داریم که پیامبر(ص) می‌آورد و افراد باید به آن توجه کنند و بپذیرند. به واسطه پذیرش آن، ذکر وارد زندگی انسان می‌شود. در نهایت یک چرخه موت و حیات حول این ذکر ایجاد کند و هر روز به سمت خاصیت دار شدن پیش می‌رود. مدل انسان اینگونه است:

تزکیه می‌کند یعنی اجازه می‌دهد که اضافات از وجود و فطرتش و نفس تسویه شده‌اش خارج شود و در عوض با خدا اتصال برقرار می‌کند و این رشد ادامه پیدا می‌کند.

بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿١٦﴾

مشکل اینجاست که شما به زندگی دنیا را توجه می‌کنید و آن را انتخاب می‌کنید.

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٧﴾

زندگی آخرت هم بهتر است و نفع بیشتر دارد و هم ابقی است، ماندگار تر است. از نظر ماندگاری و خاصیت، آخرت بهتر است.

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿١٨﴾ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ﴿١٩﴾

این حرف که باید یک ذکر باشد که آدم‌ها باید آن را بپذیرند، با تزکیه و نماز رشد کنند، در صحیفه ابراهیم و موسی هم که پیامبران گذشته بوده، مطرح بوده است.

جمع بندی

سوره اعلی می‌خواهد که ما تسبیح کنیم و با اسم اعلی به سمت کمال حرکت کنیم، به سمت یک علو حرکت کنیم و روز به روز خاصیت و فایده‌هایمان بیشتر شود مانند همه طبیعت که در چرخه موت و حیاتش، به سمت

خاصیت‌های بیشتر می‌رود، مثل آخرت که خاصیت بیشتری دارد و ماندگار تر است، انسان هم به سمت خاصیت بیشتر و ماندگارتر شدن با تسبیح پیش برود.

ارائه سوره به بچه‌های دبستانی

سوره اعلی را برای بچه‌ها، سوره‌ای برای خاصیت دار شدن مطرح می‌کنیم. این مفهوم را در یک فرآیند به بچه‌ها یاد می‌دهیم:

- اول بچه‌ها را با مفهوم تسویه و هماهنگی و تعادلی که در عالم وجود دارد، آشنا می‌کنیم. آن‌ها را با چرخه‌های حیات آشنا می‌کنیم مثل اینکه یک موجودی از یک جایی بوجود می‌آید و بعد از بین می‌رود، آن از بین رفتن، موجب تولد در جای دیگر می‌شود. مثل پروانه و بذر گیاهان، مثل مرتعی که سال بعد هم سبز می‌شود. چرخه‌های حیات را باید نشان دهیم، نه مثلاً چرخه آب را.
- در گام بعدی هدایت مخلوقات را با تبدیل شدن‌های یک چیز به چیز با خاصیت تر به بچه‌ها نشان می‌دهیم مثلاً اینکه گاو علف را می‌خورد، شیر می‌دهد، علف تبدیل به شیر می‌شود و خاصیتش بیشتر می‌شود. آن‌ها به این شکل مفهوم هدایت را می‌فهمند حتی اگر اسم هدایت را به آن‌ها نگوییم.
- در گام بعدی بچه‌ها را با هدایت انسان و خاصیت داری انسان آشنا می‌نماییم. آن‌ها را در شرایطی قرار می‌دهیم که از مدلی که در طبیعت دیده‌اند، خودشان تبدیل‌هایی را انجام دهند تا کارهای خاصیت داری انجام شود. اینکه انسان در انجام کارهای خاصیت دار دخیل هست را مشاهده کنند. نقش انسان در هدایت و هدایت انسان را بفهمند. مثلاً نان درست کنند. گندم، آرد شدن، خمیر شدن، نان شدن را انسان انجام می‌دهد.
- در گام بعدی مفهوم تزکیه و خشیت را بفهمند. همه موجودات هدایت را دارند ولی هدایت انسان بوسیله تزکیه و خشیت رقم می‌خورد. خشیت هم باعث می‌شود انسان ذکر را بپذیرد. باید به مرجعی، کتابی،

معلمی رجوع کنند و مطالب آن را دریافت کنند و بدانند که این دریافتشان باعث می شود که فایده وجودشان بیشتر شود.

- در گام بعدی ذکر، نماز، صلوات و یاد خدا در بچه ها فعال شود تا به این طریق خاصیتشان بالاتر برود.
- در مرحله آخر بچه ها خاصیت های جمع را ببینند. یعنی یک سری کارهای جمعی انجام دهند که بفهمند جمع چه خاصیت هایی دارد و آن را آسیب شناسی کنند که چگونه به خاصیت بیشتر می رسند.

پس سیر آشنایی با خاصیت دار شدن اینگونه شد:

- ✓ اول با مفهوم تسویه به واسطه دیدن چرخه های حیات آشنا شوند.
- ✓ بعد با مفهوم هدایت در طبیعت با دیدن تبدیل های به سمت خاصیت بیشتر آشنا شوند.
- ✓ سپس با هدایت انسان با انجام کارهای خاصیت دار آشنا شوند.
- ✓ سپس هدایت حقیقی انسان که به واسطه تزکیه و خشیت رقم می خورد را درک کنند.
- ✓ سپس هدایت بالاتر انسان که به واسطه ذکر و نماز رقم می خورد را درک کنند.
- ✓ سپس خاصیت جمع را ببینند.

به این ترتیب سوره اعلی را به عنوان سوره ای برای خاصیت دار شدن درک می کنند.

تدبر در سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾

در این سوره تسبیح برای خود خدا نیست. تسبیح اسم خداست یعنی با درک جلوه های وجود خدا، آثار خداوند در عالم را تسبیح می کند و به این واسطه به بی نقص بودن خدا پی می برد و به این واسطه خودش رشد می کند

و به سمت کمال می‌رود. با درک اسم خدا و اسم خدا همه حقایق در عالم است که تاثیر گذار است و این حقایق هست که عالم را به پیش می‌برد و در عالم حرکت ایجاد می‌کند.

اعلی یعنی کسی هست که از هر بلندی و برتری که در نظر بگیری، بالاتر است.

سوره اعلی، به نسبت سوره‌های دیگر، صفت تفضیلی، افعال و فعلی، زیاد دارد. مثل اعلی، از همه عالی تر.

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (۲)

رب اعلی را اینگونه معرفی می‌کند: کسی است که هر موجودی را به شکل خاص خودش ایجاد کرده است.

بعد از خلق، تسویه کرده، آن‌ها را با هم هماهنگ کرده، ارتباطات بینشان را مدیریت کرده، تعادل بینشان بوجود آورده است. وقتی خلق کرده، اجزا را با هم هماهنگ کرده، مثلا نسبت بین گوش و دست و پا و سر، نسبت بین جسم و روح، نسبت بین فطرت و طبیعت، نسبت همه اجزای عالم، نسبت آسمان و زمین، نسبت گیاهان و حیوانات و دریاها را هماهنگ کرده است مثلا کوهها یک جوری در زمین است که نلرزد. زمین جوری در آسمان قرار گرفته که استقرار داشته باشد. همه این هماهنگی‌ها تسویه است.

خلقت تا تسویه یک حرکت است. ما باید این خدا را تسبیح کنیم.

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى (۳)

خدایی که تقدیر کرده، مقدار و اندازه داده، چارچوب‌ها و حد و حدودها را مشخص کرده است.

این چهارچوب‌ها باعث می‌شود که موجودات هدایت شود. انگار جاده گذاری کرده، ریل گذاری کرده، همه چیز اندازه و مقدارش مشخص شده تا موجود هدایت شود. هدایت، موجودات را می‌برد به سمت تقدیراتشان مثلا اگر تقدیر یک گیاه، رشد و برگ دادن است، هدایت، آن را به سمت آن تقدیر می‌برد.

خلق و تسویه، تقدیر و هدایت، تسبیح اسم پروردگاری که این را می‌شود از او در دنیا دید.

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى (۴) فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى (۵)

یک نمونه از خلق و تسویه، تقدیر و هدایت را می‌آورد. خدایی که مرتع درست کرد، گیاهان چراگاه‌ها را خارج کرد. چشم می‌اندازی یک دشت سرسبز را می‌بینی که کاملاً مناسب گله چوپان‌هاست، همین خدایی که این‌ها را رویاند آن را به غُثَاءً احوی تبدیل کرد.

غُثَاءً یعنی چیز سبکی که ساختار و شکل ظاهری‌اش جوری بهم خورده که طراوت و جذابیت اولیه‌اش را ندارد. آن رغبت قبلی به آن نیست مثل برگ خشکی که طراوت قبل را ندارد و سبک است و باد می‌تواند آن را ببرد. احوی از حوی. محتوا از همین ریشه است. حوی یعنی چیزهایی یک جا جمع شود و چیزهایی آن را بیوشاند. مثلاً چربی‌های اطراف معده را می‌گویند، این‌ها جایی جمع و پوشیده شده است. تجمع و شامل شدن، حوی یک چیزی بودن.

احوی هم مانند اعلی، بیشترین حالت است.

غُثَاءً احوی یعنی گیاه خشکی که از حالت اولیه خودش در آمده و بیشترین حالت تجمع و اشتغال را دارد. به مفهوم بذر می‌خورد. در ترجمه‌ها می‌گویند خشک و سیاه شده ولی خشک و سیاهی که طراوت اولیه‌اش را ندارد و باد بیاید آن را با خود ببرد ولی از نظر محتوا در بیشترین حالت است. از نظر اینکه چیزی یک جا جمع شده باشد، در بالاترین حد است مثل بذر که درون آن یک گیاه است.

خدایی که مرتع‌های سرسبز را خشک و تبدیل به بذر می‌کند. چرخه حیات را ایجاد می‌کند.

خلق و تسویه، تقدیر و هدایت را با ایجاد چرخه حیات نشان می‌دهد.

سَنُقَرِّكَ فَلَا تَنْسَى ﴿٦﴾

در بخش بعدی سوره، وحی که به پیامبر(ص) می‌شود، مطرح می‌شود و ذکر می‌شود که ایشان باید انجام دهد. خدا تو را به قرائت در می‌آورد، برای تو اقراء می‌کند. اقراء مثل قرائت است منتها آدم قرائت می‌کند که خودش بفهمد ولی اقراء می‌کند که دیگری بفهمد.

فَلَا تَنْسَى، پس تو فراموش نمی‌کنی. خدایی که اسم او را تسبیح می‌کنیم یک هدایت عام دارد که طبیعت را هدایت کرده و نمونه‌اش را در چراگاه به ما نشان داد. یک هدایت انسان دارد که آن را با پیامبر(ص) انجام می‌دهد. پیامبر(ص) منبع و مبدایی قابل اتکاست چون خدا بر او اقرا کرده و فراموش نمی‌کند. البته این پیامبر(ص) مستقل از خدا نیست.

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ﴿٧﴾

پیامبر(ص) فراموش نمی‌کند مگر چیزی که مشیت خدا باشد. یعنی این قانون خداست که پیامبر فراموش نمی‌کند. این تحت اراده خداست.

جهر، آشکاری، چیزی که بلند فریاد زده شود، هم به این علم دارد و هم به آنچه که مخفی می‌شود.

همه چیزهایی که در خاطر افراد هست یا فراموش می‌شود، در علم خدا است.

مشیت خدایی که إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى هست این است که بر پیامبر(ص) اقرا کند و او فراموش نکند.

وَيَسِّرْكَ لِيُسْرَى ﴿٨﴾

ما مسیر نبوت و رسالت، مسیری که آنچه بر پیامبر(ص) اقرا شده را بر مردم بخواند و مردم را به قرائت وادار کند، بر تو هموار می‌کنیم که به مقصودت برسی.

فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى ﴿٩﴾

حالا وظیفه پیامبر(ص) این است که ذکر را بر مردم جاری کند.

ذکر کن اگر ذکر نفع داشته باشد. بحث خاصیت داری در این جا هم مطرح هست. اصلا ذکر به خاطر نفع و فایده‌اش انجام می‌شود. اگر ذکر فایده داشت، ذکر کن.

فایده داشتن یا نداشتن ذکر به چه چیزی برمی‌گردد؟

سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى ﴿١٠﴾

کسی که خشیت دارد و اهل پذیرش است.

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾

از اشقی ذکر دور می‌شود و ذکر برای آن‌ها فایده ندارد. اشقی یعنی هر چه شقی‌تر باشد، بیشتر از ذکر دور می‌شود. شقاوت به معنی بدبختی در مقابل سعادت است. در التحقیق گفته شده که یک شدت و رنجی هست که باعث می‌شود انسان به سمت صلاح و هدایت نرود. به همین خاطر اهل شقاوت، سیه روز و بدبخت است، وضعیت سختی دارد و در رنج و عذاب است و هم آدم بدجنسی هست چون به سمت خیر نمی‌رود و آن را انتخاب نمی‌کند. این وضعیت دو طرفه است. آدم‌ها چون سمت خیر نمی‌روند، دچار شقاوت می‌شوند و این شقاوت باعث می‌شود که نرفتن سمت خیرشان تشدید شود.

الَّذِي يَصَلِّي النَّارَ الْكُبْرَى ﴿١٢﴾

کسی که ذکر برایش فایده ندارد کسی هست که به بزرگترین آتش عرضه می‌شود.

چون نار مونث مجازی است، اکبر می‌شود کبری. اکبر و کبری صفت تفضیلی هستند.

بدبخت‌ترین آدم گرفتار بزرگترین آتش می‌شود.

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَا (۱۳)

بعدا چرخه موت و حیاتش از بین می‌رود. انسان در یک مرتبه‌ای می‌میرد تا در یک مرتبه دیگر زنده شود مثلا جنین در فضای رحم مادر می‌میرد تا به حیات دنیا برسد، یا در حیات دنیا می‌میرد که به حیات آخرت برسد یا در مراتب مختلف می‌میرد تا به مرتبه دیگر برسد مثلا مجرد بودن آدم می‌میرد که متاهل شود. بی سوادی آدم می‌میرد که به مدرسه می‌رود و با سواد می‌شود. انسان در هر مرتبه‌ای یک موت و حیات دارد. مثل چراگاهی که بذر می‌شود و دوباره با بذر زنده می‌شود.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (۱۴)

قانون کلی که در صحف اولی هم هست این است که فلاح برای کسی است که تزکیه می‌شود. نمی‌گذارد که نفسش آلوده شود.

در سوره شمس: قد افلح من زكّها و قد خاب من دسّها.

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۱۵)

تزکیه چه طور اتفاق می‌افتد؟ اسم پروردگارش را ذکر می‌کند. به اسم پروردگار توجه دارد و به واسطه آن متوجه پروردگار است و به طرق مختلف نماز می‌خواند. هم نماز یومیه را می‌خواند، نافله و مستحبی می‌خواند. در سوره معارج می‌گوید فی صلاتهم دائمون یعنی هر کاری که می‌کنند اتصالشان قطع نمی‌شود و در نمازند.

این تزکیه و نماز با ذکر اسم رب هست که این چرخه ارتقا پیدا کردن و خاصیت دار شدن را در انسان بوجود می‌آورد.

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿١٦﴾

مشکل این هست که فکر می‌کنید زندگی دنیا فقط همین است. به همین می‌چسبید و متوقف می‌شوید در حالیکه:

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٧﴾

آخرت هم مفیدتر و بهتر و هم ماندگارتر است. ولی شما دنیا را انتخاب می‌کنید.

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿١٨﴾

این حرف که هرکس تزکیه کند و اسم پروردگارش را ذکر کند پس نماز بخواند، به فلاح می‌رسد ولی آدم‌ها به خاطر انتخاب دنیا از این مسیر می‌مانند، در حالیکه آخرت بهتر و ماندگارتر است، در صحیفه‌های اولیه هم بوده است.

صُّحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ﴿١٩﴾

صحیفه حضرت ابراهیم(ع) و موسی(ع).

حضرت ابراهیم(ع) در میان انبیا نماد فطرت انسانی است. این حقیقت در صحیفه ابراهیم هم هست یعنی رشد فردی انسان را هم در نظر بگیرید، ساختارش تزکیه و ذکر اسم رب و صلوات است.

حضرت موسی(ع) در میان انبیا نماد تمدن سازی و تشکیل حکومت دینی است یعنی اگر در سطح کلان اجتماعی هم در نظر بگیرید، فلاح حاصل تزکیه و ذکر اسم رب و صلوات است.

سوالات

✚ معنی فلاح را بفرمایید.

فلاح یعنی نجات از شرور، ادراک، دریافت خیر و صلاح است و با این دو قید از مواد نجات، ظفر و صلاح تمایز می‌یابد. فلاح یک جنبه نجات دارد و یک جنبه فهم و درک کردن دارد.

✚ عاقل شدن انسان را می‌توان سوی در نظر گرفت؟

بله، عاقل شدن یکی از مصادیق تسویه است یعنی انسان یک وضعیت متعادلی پیدا کند. لازمه تعادل، رجوع به عقل هست ولی شکل‌های مختلفی دارد، همینکه سیستم بدن منظم کار می‌کند، هماهنگی اجزای بدن تسویه است، مثلاً گلوبول قرمز اکسیژن را حمل می‌کند، خودش اکسیژن مصرف نمی‌کند، در واقع همه چیز با هم هماهنگ است.

✚ می‌شود موت را از دست دادن یک چیز و به دست آوردن یک چیز معنا کنیم؟

موت در التحقیق یعنی نبود حیات و حیات در هر چیزی به مقتضای ذات و خصوصیات وجودش است. اگر از دست دادن یک چیز، حیات موجود باشد، موت است ولی اگر آن چیز جنبه حیات نداشته باشد، اسم موت نمی‌توان گذاشت.

✚ آیا می‌شود دو گروه اشقی و ... را به بچه‌ها معرفی کنیم و بگوییم به نظر شما چه کسانی در این گروه‌ها

قرار می‌گیرند؟

فکر نمی‌کنم این مناسب سن دبستان باشد. حداقل در سوره اعلی که لازم نیست. بهتر است سوره اعلی را به سمت آدم خوب و بد ببریم، به سمت اینکه چه چیز خاصیت دارد یا ندارد ببریم. خاصیت دارتر شدن یا از دست دادن خاصیت ببریم.

برخی سوره‌ها ماهیت دشمن شناسی دارد، در آنها می‌توان آدم بدها را به عنوان دشمن معرفی کنیم ولی در این سوره مباحث مهمتری مطرح هست.

می‌توانیم بگوییم مانور سوره روی ذکر است؟ و ذکر را با دانستن جهر و اخفی

ارتباط دهیم؟

بله ذکر از یک جایی به بعد مطرح هست. سوره اعلی روی فایده است. مانور روی حرکت به سمت فایده بیشتر است یعنی سیر و تکاپو و رفتن به سمت خاصیت دارتر شدن، روز به روز مفیدتر شدن. ذکر آن چیزی هست که از پایه چهارم به بعد در مورد آن صحبت می‌کنیم، باعث می‌شود آدم به سمت خاصیت بیشتر برود.

ارتباط این واژه‌ها را در صورتی به بچه‌ها بگوییم که احساس کنیم گیج نمی‌شوند. جهر و اخفی را بچه‌ها می‌فهمند ولی اگر بخواهیم این را با ذکر ارتباط دهیم، ممکن است برای بچه‌ها سخت باشد ولی ذکر و نماز را راحت می‌توان ارتباط داد.

آیا می‌توان این برداشت را کرد که ذکر گفتن مخفی آدم را خاصیت دار می‌کند؟

نه به صورت ظاهری که نمی‌توان گفت. شاید در مطالعات عمیق تر بشود ولی چیزی به این معنا مستقیم در سوره گفته نشده است که بخواهیم به بچه‌ها بگوییم. اینکه ذکر گفتن آدم را خاصیت دار می‌کند را سوره گفته است ولی در مورد آشکار و مخفی‌اش چیزی نگفته است.

آیا می‌توانیم بگوییم که سوره می‌گوید باید راجع به اسم خدا حواست باشد و باید در مورد آن درست

حرف بزنی؟

بله این حرف خوبی هست. این را علامه طباطبایی (ره) هم در المیزان گفته‌اند که اسم خدا را کنار اسم‌های دیگر قرار نده. شان خدا را در توجه به اسم خدا هم رعایت کنید. این خودش از مواردی هست که باعث خاصیت دار شدن می‌شود.

مدل سوره، درس علوم است؟

یک بخشی از سوره که مربوط به چرخه‌ها و هماهنگی‌ها و تبدیلات هست مدل علوم و شیمی هست ولی جنبه‌های دیگر آن مدل مطالعات اجتماعی و هدیه‌های آسمانی هم هست. موضوع خاصیت است. اگر خاصیت را در طبیعت مطرح کنیم مدل علوم است. بعد خاصیت را روی انسان می‌بریم یعنی انجام کارهای مفید مثل نان پختن، درست کردن یک وسیله مفید با تغییراتی در طبیعت و بعد خاصیت را روی پذیرش داشتن، حرف گوش دادن و استفاده از منابع می‌بریم. بعد روی نماز و کارهای گروهی می‌بریم.

منظورتان را از علوم اجتماعی بیشتر توضیح می‌دهید.

علوم اجتماعی منظوم فعالیت‌های گروهی و اجتماعی، ارتباط برقرار کردن با مراجع و منابع هست. رجوع به منبع اینگونه هست که بچه‌ها به جایی مراجعه می‌کنند و به واسطه پذیرش نسبت به آن چیزی که مرجع به آن‌ها می‌گوید، رشد می‌کنند.

سوالات

در مورد ثواب قرائت سوره بفرمایید؟

چند روایت در مورد ثواب قرائت سوره داریم مثلاً از کتاب نورالثقلین از امام صادق (ع) روایت شده که هرکس سوره اعلی را در نمازهای واجب یا مستحب خود قرائت کند در روز قیامت به او گفته می‌شود از هر دری از درهای بهشت که دوست می‌داری وارد شو.

در کتاب مصباح پیامبر (ص) گفته‌اند هرکس این سوره را بخواند خداوند ده‌ها حسنه معادل تمامی حروفی که بر ابراهیم (ع) و موسی (ع) و محمد (ص) نازل کرده به او عطا می‌کند.

یا مثلا از همین مصباح روایت شده که سوره مبارکه اعلی اثر درمانی دارد: برای درد گوش ، درد گردن ، دل درد و

این ها با مدل خاصیت داری و حرکت به سمت فایده بیشتر، مدل هماهنگی دارد.

در خواص الآیات از امام صادق(ع) گفته شده که هرکس در هنگام سفر سوره اعلی را ۳ بار بخواند به سلامت مراجعت می کند. این ارتباط با جنبه چرخه حیات سوره می تواند داشته باشد.

از امام صادق(ع) بازهم نقل شده که هرکس سوره اعلی را بنویسد و با خودش داشته باشد حافظه اش زیاد می شود. این به بحث **سَنْقَرُكَ فَلَا تَنْسَى (۶)** می تواند مربوط باشد.

مثلا در تفسیر اطیب البیان آمده که اگر در روز جمعه بعد از نماز سوره اعلی را بنویسد و به همراه خودش داشته باشد به یاری خدا از همه آفات و بدی ها محفوظ خواهد بود.

📌 فیلم یا تصویر مدرسه را چگونه ارسال کنیم؟

فیلم را هم به سایت فهم قرآن می شود ارسال کرد و هم به مدیر کانال کلاس سوره ها.

📌 با توجه به مباحث دیروز (سوره غاشیه) چگونه تلخی ها را برای دانش آموزان مفید کنیم؟ مثلا بچه ها از خوردن داروی تلخ ابا دارند.

چرا باید این کار را انجام دهیم؟ سوره غاشیه کدام قسمتش این را می گفت؟ در این سوره بحث این بود که نگاهمان و حرفهایمان را مفید کنیم. به عاقبت توجه کنیم تا کارهای مفید و حرفهای مفیدی داشته باشیم. ارتباطش را با سوره غاشیه نمی شود فهمید، اما بچه ها تا یک سنی اینطور است اما وقتی که کمی عاقل می شوند یعنی در همین سن دبستان، دیگر متوجه می شوند که این دارو باعث می شود که حالشان خوب شود. در سوره غاشیه هم گفتیم که عاقبت را می خواهیم به بچه ها نشان دهیم بعضی عاقبت های عینی را به آنها نشان می دهیم تا بچه ها

عاقبت‌های غیر ملموس تر را هم ببینند و بفهمند. البته یک بخشی به شخصیت بچه‌ها ربط دارد بعضی بچه‌ها جسور ترند، مقاوم ترند که این‌ها در خوردن دارو تاثیر دارد.

✚ چگونه حوادث تلخ روزگار را برایشان خوب نشان دهیم؟

اصلا چرا باید اینکار را بکنید؟ مثلا زلزله را چرا باید به دانش آموزان خوب نشان دهیم و البته که این هم با سوره غاشیه ارتباطی ندارد. در کل نشان دادن روی خوش حوادث برای بزرگسال هم کار راحتی نیست. اگر منفعت از سوره غاشیه را منظورتان است که آن را روی حوادث سخت روزگار نمی‌بریم. می‌بریم روی اینکه مثلا نماز خواندن منفعت دارد. منفعت‌های عینی را نشانشان می‌دهیم.

اهداف تربیتی سوره اعلی برای شش پایه دبستان

سوره مبارکه اعلی سوره‌ای برای خاصیت دار شدن است. حرکت عالم را به سمت فایده‌های بیشتر، تکامل و خواص بالاتر ببینند و بخواهند خودشان هم همین حرکت را داشته باشند. به سمت خاصیت بیشتر و رشد بالاتر و تکامل بیشتر بروند.

پایه اول

مشاهده هماهنگی و تعادل مخلوقات در چرخه‌های حیات

پایه اول سن مواجه و مشاهده است، دانش آموزان را با تسویه در عالم مواجه می‌کنیم. منتها این تسویه در عالم را باید متناسب با فهم بچه‌ها نشان دهیم. بچه‌ها چرخه ببینند.

در سوره فجر گفتیم بچه‌ها وقتی با سوره مواجه می‌شوند باید فرآیند ببینند یعنی از اول تا آخر یک چیزی را ببینند.

در سوره اعلی باید چرخه ببینند یعنی چیزی می چرخد و دوباره از اول می آید.

کتاب خزان برگک. ماجرایش اینطور بود که برگ که در آمد با دوستانش ارتباط گرفت اما هیچ وقت درخت را ندیده بود پاییز شد و دوستانش دونه دونه جدا شدند تا اینکه نوبت به افتادن خودش رسید. وقتی که افتاد تازه توانست کل درخت را ببیند، بعد رفت توی زمین و... بعد کتاب میگوید که برگک داشت آماده می شد که در فصل بعد خودش درخت شود. این همین چرخه است.

مثلا پروانه برای نشان دادن چرخه خیلی جالب است. اینکه کرم برگ می خورد، بعد پیله درست می کند و بعد پیله پروانه می شود. تا اینجا اگر بخواهیم سوره فجر بگوییم این فرآیند را نشان می دهیم. فرآیندی که برای سوره فجر خوب است فرآیند طلوع و غروب است. بخصوص فرآیند طلوع.

حالا اگر بخواهیم این را مدل سوره اعلی بگوییم می شود این پروانه که پروانه شد بزودی می میرد ولی در واقع نمی میرد. با مردنش تمام نمی شود. این پروانه تخم می گذارد، تخمش تبدیل به کرم می شود بعد این کرم پیله می بندد و بعد پروانه می شود. این چرخه را باید ببینند. قورباغه تخم می گذارد، قورباغه مادر اگر بمیرد هم این چرخه ادامه دارد.

چیزی که بچه ها خیلی راحت می بینند درخت است. درخت های شهر در زمستان می میرند، خشک می شوند اما در بهار دوباره برگ می دهند و این چرخه ادامه دارد. هرچه بیشتر چرخه ببینند برایشان بهتر است.

پایه دوم

مشاهده فرآیندهای تبدیل پدیده ها به یکدیگر که منجر به حرکت خاصیت دار می شود

در این پایه باید تبدیل ببینند که هدایت را بفهمند. یک هدایت طبیعی. سال اول قرار است تسویه را متوجه شوند، البته اسم تسویه را نمی‌آوریم ولی به آن‌ها نشان می‌دهیم. فهمیدن بچه‌های کلاس اولی با حرف زدن نیست با مشاهده و بازی است. برای همین کلمه تسویه را برایشان نمی‌گوییم.

در کلاس دوم باید هدایت طبیعت را بفهمند و در کلاس سوم باید هدایت طبیعی انسان را بفهمند. در کلاس چهارم به بعد هدایت خاص انسان را بفهمند.

کلاس چهارم مفهوم خشیت و تزکیه را باید بفهمند. در کلاس پنجم مفهوم ذکر و نماز را باید بفهمند.

کلاس ششم هم مفهوم جمع و جریان جمعی را باید بفهمند. مثل حقیقتی که گفتیم در **إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۸) صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (۱۹)** که جریان ذکر و تزکیه و نماز مربوط به اجتماع هم هست.

در کلاس ششم این تسویه جمعی را متوجه شوند.

در کلاس دوم می‌خواهیم به آن‌ها هدایت طبیعی را نشان دهیم. این را با تبدیل به آن‌ها می‌فهمانیم یعنی چیزی که تبدیل به چیز دیگری می‌شود و خاصیتش بیشتر می‌گردد.

مثل علف که به شیر و گوشت تبدیل می‌شود و سپس به انسان تبدیل می‌شود. یعنی اینطوری که آدم‌ها می‌خورد و جزء وجودشان می‌شود بعد بچه دار می‌شوند.

انواع تبدیل‌ها شامل این قضیه می‌شود. گندم و

منتها در کلاس دوم راجع به تبدیل‌هایی با دانش آموزان صحبت می‌کنیم که در طبیعت اتفاق می‌افتد و انسان در آن نقشی ندارد.

پایه سوم

شناخت خاصیت‌های انسان با انجام کارهای مفید

در کلاس سوم تبدیل‌هایی را به دانش آموز نشان می‌دهیم که انسان در آن نقش دارد مثل نان. یا مثلا از شیر، انواع لبنیات درست می‌شود. همه این‌ها طبیعی است ولی انسان در آن نقش دارد. به این شکل بچه‌ها با خاصیت انسان آشنا می‌شوند یعنی اینکه انسان می‌تواند خاصیت دار باشد، و کارهای مفید انجام دهد. کارهایی که در راستای تبدیل اجزای طبیعت به چیزهای خاصیت دار تر باشد.

حواسمان باشد همه این‌ها سیر دارند. می‌گوییم سوره اعلی می‌خواهد به ما یاد دهد که همانطور که همه چیز روز به روز در عالم در حال ارتقاء خاصیت‌هایش است ما هم باید نقش داشته باشیم و خاصیت دار شویم.

ما با کارهای مفید کردن خاصیت دار می‌شویم. مثلا انسان‌ها در پخت نان مشارکت کنند یا از چوب و فلزات استفاده کنند و وسایل مختلف بسازند.

اگر دانش آموزان در پایه سوم بتوانند با سوره اعلی تجربه نان پختن را داشته باشند خیلی فوق العاده می‌شود.

اگر بشود گندم را در مقابل دانش آموزان آسیاب کرد بعد تبدیلیش کرد به آرد و سپس نان و این را آن‌ها ببینند خیلی خوب است.

در کتاب‌های فهم قرآنی که موجود است، سوره اعلی فقط برای پایه چهارم است جوری گفته شده که همه سوره اعلی را در یک پایه بیاورد و سیر ندارد. گفته می‌شود: پیدا کردن کوتاه ترین راه برای رسیدن به نتیجه.

یعنی چکیده این جریان خاصیت داری را در پایه چهارم آورده است.

در طبیعت اینطور است که وقتی قرار است خشکسالی شود گیاه این راه می‌فهمد که قرار است بمیرد بذرش را زودتر از موعد می‌اندازد که این چرخه ادامه پیدا کند. کلا سوره اعلی ماجرای خاصیت بیشتر و از بین رفتن و باقی شدن است.

رجوع همراه با پذیرش به یک منبع یا مرجع برای ارتقای خاصیت

در کلاس چهارم بعد از دیدن سیردر پایه‌های قبل، روی خاصیت داری ویژه انسان می‌آید. چون انسان مثل گیاهان یک رشد طبیعی و مثل حیوانات یک رشد غریزی دارد. اما خاصیت دار شدن انسان حاصل تزکیه است. حاصل این است که خودش، خودش را تزکیه کند و اضافاتش را پاک کند.

این تزکیه به واسطه خشیت اتفاق می‌افتد. می‌توانیم خشیت و تزکیه را به دانش آموزان نگوییم و بگوییم سوره اعلی می‌خواهد به ما یاد بدهد که ما مثل همه طبیعت روزبه‌روز خاصیت دار تر شویم. و برای اینکه خاصیت دار شویم باید به منابع رجوع کنیم. باید روش‌های خاصیت دار شدن را یاد بگیریم. حرف گوش کن بودن ترجمه خشیت داشتن در حد این سن است.

باید تنها حرف کسی را گوش دهیم که ارزش حرف گوش کردن را داشته باشد. برای همین باید به منبع رجوع کنیم. مثلاً به قرآن یا رساله عملیه رجوع کنیم. یک کتابی که راه درست را به ما یاد دهد یا به مرجعی رجوع کنیم.

یک جایی بروند یا به چیزی رجوع کنند و به این واسطه یاد بگیرند که خودشان را رشد دهند. اضافات را از متن خالص نفسشان پاک کنند. که این‌ها را با ادبیات سن خودشان می‌گوییم.

پایه پنجم

فعال شدن ذکر و نماز برای ارتقای خاصیت

سال پنجم بطور مشخص روی ذکر و نماز می‌رود. اگر برای بار اول است که دارند با

این سوره مواجه می‌شوند این سیر را برایشان بازگو می‌کنیم که ببینند که در عالم همه چیز هماهنگ است و این چرخه را ببینند. ببینند که این چرخه به سمت خاصیت دار شدن می‌رود و هدایت شده است. تبدیل‌ها را ببینند. ببینند که انسان هم می‌تواند دائما خاصیت دار تر باشد. نقش انسان را در انجام کارهای مفید ببینند. به طور خاص ببینند که انسان اگر می‌خواهد خاصیت دار شود باید خودش را تربیت کند و برای این کار باید به منابعی و مراجعی رجوع کند و به او یاد دهند که چگونه خودش را تربیت کند و پاک و رشد کند.

اما مشخصا در پایه پنجم بحث می‌رود روی اینکه آنچه که انسان را رشد می‌دهد و خاصیت دار می‌کند ارتباط و ذکر و یاد خداست و این را از منابع و مراجع اصیل دریافت می‌کنیم. چون روایت داریم در اصول کافی که امام باقر(ع) می‌فرمایند اگر کسی در مجلسی بنشیند و یاد خدا در آن مجلس نباشد و بلند شود آن مجلس مایه حسرتش می‌شود.

روایت دیگریست که امام باقر(ع) می‌فرمایند ذکر ما ذکر خداست. به همین ترتیب برای بچه‌های پایه پنجم می‌توانیم بگوییم که چیزی که باعث رشد حقیقی شما می‌شود یاد خدا، اهل بیت(ع)، پیامبر(ص)، اولیای خدا، نماز و صلوات است. صلوات که هم ذکر و هم صلاه است.

ذکر، صلوات، نماز و این‌ها به عنوان راهکارهای اصلی خاصیت دار شدن است که در کلاس پنجم مطرح می‌شود.

پایه ششم

دیدن خاصیت‌های جمع با انجام کارهای خاصیت‌دار جمعی و آسیب‌شناسی آن‌ها

این پایه چون خیلی عملیاتی است حتما باید یادمان باشد که نکات علمی پایه‌های قبل در آن هست.

در ضمن برای اینکه برایشان فقط انباشت اطلاعات نشود باید بدانیم که اینها را ما به

دانش‌آموزان نمی‌گوییم. به ازای هر چیزی که به دانش‌آموزان یاد می‌دهیم حتما باید یک عملی متناسب با آن در زندگیشان شکل بگیرد وگرنه نه تنها مفید نیست بلکه آسیب هم دارد. هرچه یاد می‌گیرند باید یک عمل متناسب با آن در زندگیشان شکل بگیرد. عمل کلاس اولی و دومی ابراز است، سومی‌ها عمل‌های کوچک و چهارمی‌ها عمل‌های بزرگتر و برنامه‌ریزی است. پنجم و ششم عملیات‌های گسترده‌تر و بزرگتر و کارهای گروهی است. حتی اگر کار گروهی هم نیست بالاخره باید یک کاری متناسب با سنشان انجام دهند. برای همین وقتی از ذکر و نماز صحبت می‌کنیم اینطور نیست که بچه‌ها فقط بگویند بله، سوره‌های اعلی در مورد ذکر و نماز است این اصلا درست نیست. سوره اعلی که دانش‌آموزان در کلاس پنجم یاد می‌گیرند باید در زندگیشان ذکر و صلوات بیشتر شود. توجهشان به نماز با این هدف که نماز آن‌ها را خاصیت دارتر می‌کند، بیشتر شود. بیشتر نماز بخوانند و وقتی می‌خوانند حسشان این باشد که این کار آن‌ها را خاصیت دارتر می‌کند.

در پایه ششم بحث عمل خیلی جدی‌تر می‌شود این مطالب علمی قبلی حتما پشتوانه آن است. یعنی بچه‌های ششم باید کار گروهی انجام دهند ولی کار گروهی سوره اعلی رویکردش فهمیدن خاصیت جمع است. آسیب شناسی کنند ببینند چه چیزهایی مانع این می‌شود که جمع خاصیت دار شود. اما وقتی می‌خواهند اینکار را انجام دهند همه فرآیند قبلی پشتوانه آن باشد یعنی چرخه حیات در طبیعت، تبدیل‌ها، نقش انسان در فعالیت‌های خاصیت دار، خشیت و پذیرش برای خوبتر شدن، نماز، ذکر و صلوات برای ارتقا و خوبتر شدن.

اینها را باید پایه ششم داشته باشد حالا با این نماز و ذکر فعال کارهای گروهی انجام دهند تا خاصیت داری جمع را ببینند. خاصیت داری فردی را دیده بودند حالا خاصیت داری جمعی را ببینند.

در کتاب کودک و فهم قرآن ص ۱۲۹ پایه ششم، سوره اعلی را اینگونه گفته است: مشاهده خاصیت داری در انسان و مخلوقات نقش موثری در فهم تسبیح اسم رب دارد لذا محور فعالیت‌ها در این مرحله براساس مفاهیم سوره اعلی

انجام کارهای خاصیت دار بصورت جمعی می باشد. این کار سبب دیدن جمع و تاثیر

جمع در افزایش خاصیت و تحقق کارهای اثرگذار می باشد، مثل اداره کلاس بصورت فردی یا اداره کلاس بصورت جمعی.

سوالات

✚ با اولیایی که می خواهند مسائل مذهبی به دانش آموزان یاد ندهیم و فقط مطالب علمی باشد چه کنیم؟

این اولیا دودسته اند: یا عناد دارند که با آنها نمی شود کاری کرد و ما کار خودمان را می کنیم و کجدارو مریض کنار می آییم. یا خیلی وقتها اینطور نیست از آموزش های مذهبی بد دیده اند. متأسفانه در جامعه ما مذهب کنار زندگی انسان قرار گرفته است، اینطور که انسان ها علم دارند و نیاز به مذهب هم دارند، در صورتی که دین برنامه همه زندگی انسان است و کنار چیزهای دیگر نیست. یاد می دهد که انسان چگونه زندگی کند.

دیدند انسان های دینداری که خیلی هم خوب زندگی نمی کنند. برای همین اگر به انسان ها خوب نشان دهیم خیلی هم زود مشکلشان برطرف می شود.

در فهم قرآن این ها با هم است. همانطور که در سوره اعلی می بینید ما کارهای عبادی را از کارهای دیگر جدا نمی دانیم همانطور که باید به چرخه حیات نگاه کنیم، همانطور هم باید نماز و ذکر و صلوات داشته باشیم.

✚ ارتباط چرخه و سوره اعلی را می فرمایید؟

چرخه و سوره اعلی، موت و حیات ارتباطشان باهم به این شکل است که در ابتدای سوره اعلی بحث تسبیح مطرح است. تسبیح یعنی منزه دانستن خدا از نقص به گونه ای که در خود فرد جریان ایجاد می کند، این تسبیح و این جریان و حرکت را همه موجودات در عالم دارند و منزه و بی نهایت بودن خداوند را نشان می دهند. خدایی که باید تسبیح شود را در سوره اعلی وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ﴿٥﴾ معرفی می کند یعنی خدایی که

کشتزار را می‌رویاند و بعداً تبدیل به گیاه خشک می‌کند تا دوباره برویاند. یعنی خدا

را خدای چرخه حیات معرفی می‌کند و خلق و تسویه و تقدیر و هدایت را اینگونه نشان می‌دهد. بعد هم انسان‌هایی که از مسیر رشد خارج می‌شوند را خارج از چرخه موت و حیات معرفی می‌کند **ثُمَّ لَّا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ (۱۳۰)** به همین دلیل ارتباط چرخه موت و حیات با سوره مبارکه اعلیٰ یک ارتباط خیلی نزدیک و هماهنگ است.

سوره مبارکه اعلیٰ تسبیح اسم رب اعلیٰ را در قالب چرخه حیات نشان می‌دهد. نشان می‌دهد همانطور که طبیعت در یک چرخه موت و حیات، رب را تسبیح می‌کند؛ انسان هم باید رب اعلیٰ خود را در بستر موت و حیات تسبیح کند. بستر موت و حیات همان فضای روزبه‌روز خاصیت‌دار شدن است.

یک مثال عینی این است که انسان‌ها وقتی در موقعیتی قرار می‌گیرند و در آن رشد می‌کنند مثلاً سمتی دارند یا مسئولیتی دارد. در آن مسئولیت وقتی جا می‌افتند، دوست دارند همانجا بمانند ولی چرخه موت و حیات به ما نشان می‌دهد که انسان باید از اینجا برود برای اینکه خاصیت‌دار تر شود. درست است که من اینجا خاصیت دارم ولی تسبیح به ما یاد می‌دهد که یک خدای بی‌نهایت است و رشد آدم‌ها می‌تواند بی‌نهایت ادامه پیدا کند. پس وقتی من یک جایی به یک حیاتی رسیدم باید از آن بروم و به یک حیات بالاتری برسم. این چرخه موت و حیات، چرخه خاصیت‌دار شدن است که در واقع در فرآیند تسبیح اسم رب اعلیٰ اتفاق می‌افتد.

نداشتن موت و حیات اینطور است که انسان حیاتی ندارد که موتی داشته باشد. کسی که متوقف باشد در یک وضعیت ثابت می‌ماند و می‌گردد.

وقتی یک زمینی بایر باشد؛ دیگر موت و حیاتی ندارد و همیشه در یک وضعیت است. ولی وقتی زنده است مرگ هم دارد. مثلاً درخت موت و حیات دارد ولی چوب ندارد.

✚ دختران من در مورد مردن خیلی سوال می‌کنند، می‌شود این چرخه‌ها را برایشان توضیح داد به عنوان

چرخه حیات؟ ۹ساله و ۶ ساله هستن.

بله، برای این سن می‌شود از چرخه استفاده کرد. برای سن پایین هرچه بیچانیم و

بگوییم که به رحمت خدا رفته‌اند و فوت شدن کافی است و اگر زیاد توضیح ندیم برایش شاید بهتر باشد ولی برای ۹ ساله می‌شود این‌ها را گفت. خود قرآن هم این مثال‌ها را می‌زند که درختان و زمین که در زمستان می‌میرند و در بهار سبز می‌شوند. مثل بچه‌ای که به دنیا می‌آید و در آن دنیایی که در آن بوده نیست. اما خیلی به آن نپردازید.

✚ چرخه حیوانات گوشت خوار یا نشان دادن فیلم چرخه زندگی ماهی‌ها، اینکه ماهی‌های بزرگ از ماهی‌های

کوچک تغذیه می‌کنند چطور است؟

خوب است به شرطی که حس بدی القا نکند. بچه‌ها نسبت به اینکه یک حیوانی، حیوان دیگر را بخورد حس خوبی ندارند. حالا دخترها بیشتر بدشان می‌آید. اما باز هم زیاد جالب نیست. مثلاً پرنده‌ها کرم می‌خورند خیلی حس بد بهشان دست نمی‌دهد چون تصور خاصی از حیات یک کرم ندارند ولی وقتی یک شیر یک آهو را می‌خورد خیلی ناراحت کننده است. اگر جنبه ناراحتی نداشته باشد خوب است.

✚ خوب است با معرفی مشاغل مفید سوره را نشان دهیم؟

اگر کلاس سوم باشد بله خوب است. مشاغل مفیدی که در مفید بودنشان خاصیت‌داری وجود دارد. خاصیت‌داری طبیعی. اما مثلاً پلیس هم یک شغل مفید است اما خیلی مرتبط با سوره اعلی نیست ولی کشاورز یک شغل مفید است چون در جریان تبدیل این چرخه هست اما پلیس نیست. نانوا خوب است. کسانی که در جریان خاصیت‌دار شدن اشیا یا خاصیت‌دار شدن یک چیز است، خوب است. معلم خوب است چون در فرآیند خاصیت‌دار شدن آدم‌ها موثر است. مفید بودنشان باید ارتقاء خاصیت یک چیز باشد.

✚ برای کلاس سوم می‌توانیم شیر بیاوریم و ماست و پنیر و یا دوغ بیاوریم و کشک درست کنیم؟

بله، خیلی خوب است برای کلاس سوم فعالیت خوبیست.

✚ نشان دادن خاصیت داشتن سبزیجات به دانش آموزان سودمند است؟

خیر خاصیت داشتن به این معنی بیشتر مدل سوره تین است که یک چیزهایی خاصیت

دارند. خاصیت دار تر شدن برای سوره اعلی است. کلاس اول چرخه‌ها، کلاس دوم تبدیل و کلاس سوم کارهایی که انسان می کند را نشان می دهیم. مثلا اینکه فلان میوه، فلان خاصیت را دارد، خیلی برای سوره اعلی نیست. اینکه ارتقا پیدا می کنند و خاصیتشان بیشتر می شود برای سوره اعلی است.

✚ برای پایه پنجم و ششم میزبان بودن در نماز جماعت مدرسه یا نماز جمعه در هر هفته یا خواندن یک

جزء قرآن در هر روز در زنگ نماز چطور است؟

خیلی خوب است منتها با پس زمینه سوره اعلی. یعنی این کار را با پس زمینه سوره اعلی انجام می دهیم این خیلی مهم است. یعنی ببینیم که در طبیعت چرخه حیات هست، موجودات به هم تبدیل می شوند و خاصیتشان بیشتر می شود، انسان ها هم در این فرآیند هستند پس باید ببینیم چگونه می توانیم خاصیتمان را بیشتر کنیم که ما با نماز می توانیم این کار را انجام دهیم. این را اگر نداشته باشد دیگر سوره اعلی نمی شود. خوب است دانش آموزان در نماز مشارکت داشته باشند ولی اگر جنبه خاصیت دار شدن در آن پررنگ نباشد دیگر سوره اعلی نمی شود.

✚ برای دانش آموزان همه ادویه های مختلف را سر کلاس آوردیم، دانش آموزان پایه پنجم و ششم همه

شروع به بررسی کردند و حدس زدند چه گیاهی ست و چه خواصی دارد.

این کار خیلی خوب است اما برای سوره اعلی نیست مگر اینکه چرخه در آن دیده شود.

✚ بین سوره قریش و اعلی وجه اشتراک در تشکیل گروه می باشد؟

در پایه ششم در اکثر سوره ها تشکیل گروه را داریم، اما تشکیل گروه برای سوره نیست برای پایه است. در سوره هایی مثل عادیات و سوره قریش خود تشکیل گروه هم موضوعیت دارد که آن در پایه های جلوتری می آید اما در سوره اعلی تشکیل گروه برای سوره نیست. در سوره قریش و سوره عادیات تشکیل گروه مربوط به خود

سوره است اما در سوره اعلی اینگونه نیست. نوع فعالیت پایه ششم است. اشتراک سوره قریش و سوره اعلی تشکیل گروه نیست.

✚ در پایه چهارم با توجه به مباحث احکام در کتاب هدیه‌ها می‌توانیم بگوییم برای خاصیت‌دار شدن سوره بهتر است به این احکام مراجعه کنیم؟

بله خیلی فعالیت خوبی است. در کلاس چهارم که در کتابشان احکام دارد، احکام می‌شود همان منبع یا مرجعی که برای خاصیت‌دار شدن باید به آن رجوع کنیم تا خودمان را تزکیه کنیم و ارتقا یابیم.

✚ در مورد اینکه کسی فوت کرده بگوییم عمرش تمام شده است؟

بله، خوب است و به سوره اعلی هم می‌خورد.

✚ اینکه بگوییم رفته پیش خدا درست است؟

خیلی خوب نیست چون اولاً پیش خدا رفته کجا هست؟ بعد بچه‌ها حس می‌کنند خدا چه بد است که کسانی که دوستشان داریم را با خود می‌برد. باید جوری بگوییم که بچه ناراحت نشود.

نکته خانم سیفی

به هیچ وجه از پیش خدا رفتن چیزی نگوییم چون خدا او را پیش خودش برد خیلی جمله بدی است.

✚ دختر ۶ ساله‌ام هر هفته خواب حضرت عباس(س) و امام زمان(عج) را می‌بیند و بیدار که می‌شود توضیح

می‌دهد ولی مشکل اصلی این است که می‌گوید من می‌خواهم خدا را ببینم چطور برایش توضیح دهیم؟

باید بچه‌های ۶ ساله که این حرف‌ها را می‌زنند را پیچاند باید بگوییم بستنی می‌خوری؟ که کلا یادش برود.

نکته خانم سیفی

امیرالمومنین(ع) به بچه‌ای که پدرش از دنیا رفته بود گفتند پدرت به سفری رفته که ما هم دیر یا زود به آنجا می‌رویم.

✚ تبدیل علف به شیر با لبنیات متفاوت نیست؟

چرا تبدیل علف به شیر برای کلاس دوم است که دانش آموزان تبدیل‌ها را می‌بینند و لبنیات برای کلاس سوم است. تبدیل علف به شیر خودش اتفاق می‌افتد اما لبنیات کار خاصیت‌دار است که انسان‌ها انجام می‌دهند و برای پایه سوم است.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم